

## تحلیلی بر گونه‌شناسی و بررسی فرمی زیورآلات دوران ساسانی

زهره جوزی<sup>۱</sup>، زهرا نصرالهی<sup>۲\*</sup>، مریم یاغی زهی<sup>۳</sup>، هادی فرجی چشمه‌زنگی<sup>۴</sup>

### چکیده

در دوره ساسانیان جلال و شکوه و تجمل‌گرایی گرایش بیشتری می‌یابد و به تبع آن نیز، زیورآلات متعددی استفاده می‌شود که هم از منظر زیبایی‌شناختی و هم از منظر فرم‌شناسی و تنوع در گونه و جزئیات عناصر، منحصر به فرد هستند. در کنار سایر یافته‌های فرهنگی، زیورآلات را نیز می‌توان یکی از مهم‌ترین منابع شناخت تمدن و فرهنگ ساسانی به حساب آورد، به طوری که در بسیاری از آثار برجای مانده از این دوره همچون: سکه‌ها، نقش برجسته‌ها، نیم‌تنه‌های گچی، فلزکاری و مهرسازی قابل پیگیری است. پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی و بازدید از یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی و اشیاء موجود در موزه‌ها، تلاش بر آن دارد تا با نگاهی به زیورآلات برجای مانده از تمدن ساسانی، ضمن مطالعه و تحلیل کامل آن‌ها، این آثار ارزشمند را از منظر فرم و گونه‌شناسی دسته‌بندی و بر اساس آن‌ها به هویت‌شناسی افراد نیز دست یابد. این که ساختار و ریخت‌شناسی زیورآلات ساسانی چگونه و به چند گروه قابل تقسیم است و این دسته از آثار در میان مردان و زنان ساسانی چه تفاوتی داشته و آیا بر اساس فرم‌شناسی زیورآلات، می‌توان به هویت‌شناسی و تفکیک جنسیت افراد دست یافت؛ از مهم‌ترین سوالات مطرح شده در این پژوهش هستند. مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که زیورآلات این دوره از منظر فرمی به ۷ گروه گوشواره، گردن‌بند، تاج، انگشتر، دستبند، ریش‌بند و سنجاق سرها تقسیم می‌شوند. برخی از این جواهرات نظیر ریش‌بند و تاج مختص شاهان بوده، بنابراین نشان‌دهنده جایگاه قدرت و شکوه بی‌همتای شاهان ساسانی هستند. زیورآلاتی نظیر بازوبند، پابند، دست‌بند را زنان ساسانی بیشتر استفاده کرده‌اند و گردن‌بند و گوشواره نیز هم برای مردان و هم برای زنان به کار گرفته شده که در برخی موارد، جنسیت افراد، در فرم آن‌ها دخیل بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** زیورآلات، دوران ساسانی، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی، جنسیت.

ارجاع: جوزی ز، نصرالهی ز، یاغی زهی م، فرجی چشمه‌زنگی ه، ۱۳۹۹. تحلیلی بر گونه‌شناسی و بررسی فرمی زیورآلات دوران ساسانی، ۵ (۲): ۱۴۵-۱۶۴.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (zj332244@gmail.com)

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (Z.nasrolahi93@gmail.com)

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (Maryamyaghizahi1397@gmail.com)

۴. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (h.faraji1366@yahoo.com)

\*نویسنده مسئول: z.nasrolahi93@gmail.com

## مقدمه

زیورآلات را می‌توان بازتابی از نیازهای درونی انسان به خودآرایی دانست. انسان از همان دوران نخستین برای زیبایی‌سازی خود، از اشیاء و وسایل موجود در طبیعت استفاده کرده و بخشی از توان و مهارت خود را به ساخت زیورآلات اختصاص داده که اکثراً مفهومی نمادین و رمزی داشته‌اند (غیبی، ۱۳۹۱: ۲۹). در ایران تاریخ استفاده از زیورآلات به دوران پارینه‌سنگی برمی‌گردد؛ به طوری که در این دوران به‌وفور از سنگ و استخوان در ساخت زیورآلات استفاده می‌شد (گریشمن، ۱۳۷۰: ۲۸۵). این آثار هنری در طول تحولات زیبایی‌شناختی و نمادشناختی خود، با تغییرات قابل توجهی روبرو بوده است که از طرفی ریشه در تحولات فناوری ابزارآلات دست بشر دارد و از طرف دیگر به تحولات هستی‌شناختی انسان در طی دوره‌های تاریخی و اجتماعی برمی‌گردد (ایرانمنش: ۱۳۹۴: ۲). زیورآلات معمولاً همواره نمایانگر پایگاه و منزلت اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و شغلی افراد بوده که در بیشتر ادوار بسته به جنس، سن و هویت قومی متفاوت بوده است (صالح، ۱۳۹۴: ۲۵). در دوره ساسانی خلق آثار هنری و دستاوردهای آن پیشرفت چشم‌گیری می‌یابد و رونق می‌گیرد؛ به گونه‌ای که نمونه‌های ارزشمندی از وجوه مختلف هنر در این عصر، به‌وضوح قابل تأمل و بررسی است. در دوره ساسانی با توجه به گسترده‌گی قلمرو این امپراتوری، می‌توان نمونه‌های متنوعی از جواهرات دوران ساسانی را بررسی و مطالعه کرد، اما به‌دلیل محدود بودن کاوش‌های علمی، جواهرات قابل توجهی در این زمینه یافت نشده است. نوشته‌ها در ارتباط با زیورآلات دوره ساسانیان کم نیست و تا به امروز آثار هنری متعددی از این دوران توسط پژوهشگران مورد مطالعه قرار گرفته است. در طی این دوره علاوه بر این که زیورها فراوان بوده، نقوش و طرح‌های تزئینی موجود بر روی آن‌ها نیز از تنوع زیادی برخوردار است (ضیاءپور، ۱۳۴۸: ۲۹۱). در این راستا این پژوهش با مطالعه دقیق کیفیت سکه‌ها، حکاکی‌ها و پیچیدگی‌های موجود روی مهرهای این دوران و هم‌چنین با استفاده از داده‌های تصویری و دقت در نقوش حک شده روی ظروف فلزی و سایر هنرهای دیگر این دوره هم‌چون گچبری و ...، به مطالعه، تحلیل و شناسایی زیورآلات این دوره پرداخته است. باید گفت که در بسیاری از داده‌های تصویری موجود از دوره ساسانیان،

موضوعاتی مانند اعطای منصب، شکار، رقص، صحنه‌های خانوادگی، صحنه‌های تاج ستانی، شاه و درباریان به چشم می‌خورند که اکثراً با جواهرات خاصی تزئین شده‌اند. در جواهرات به تصویر کشیده شده در میان افراد مختلف و در صحنه‌های متفاوت، اشتراکاتی دیده می‌شود؛ اما در اغلب موارد نیز تفاوت‌های بسیاری در استفاده از زیورآلات این دوران، در میان اقشار گوناگون جامعه وجود داشته است. در این راستا و با توجه به مطالب فوق، نگارندگان به‌دنبال پاسخی منطقی برای سوالات زیر هستند:

۱. ساختار و ریخت‌شناسی زیورآلات ساسانی چگونه و به چند گروه قابل تقسیم است؟
۲. زیورآلات در میان مردان و زنان ساسانی چه تفاوتی داشته و آیا بر اساس فرم‌شناسی زیورآلات، می‌توان به هویت‌شناسی و تفکیک جنسیت افراد دست یافت؟

## پیشینه پژوهش

مطالعه زیورآلات و جواهرات از لحاظ جنبه مادی و معنوی همواره مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است. در خصوص زیورآلات دوره ساسانی، تا به امروز پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است و در اکثر منابع به‌صورت پراکنده به آثار این دوران پرداخته شده است. برخی از منابع شامل بررسی‌های هنر دوره ساسانی است که در بخش‌هایی از فلزکاری، اشاراتی جزئی نیز به زیورآلات این دوران شده است. منابع دیگر نیز استناد به زیورآلاتی است که در موزه‌ها و محوطه‌های ایران و خارج از مرزهای کنونی ایران قابل بررسی هستند. با توجه به تمامی مباحث گفته‌شده برخی از پژوهشگران اطلاعاتی در این زمینه در اختیار ما قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به کتب، مقالات و رساله‌هایی همچون: «زیورهای زنان از آغاز تا امروز» (ضیاءپور، ۱۳۴۸) که در بخشی، آثار هنری زنان عصر ساسانی را نیز بررسی و مطالعه نموده؛ «پژوهشی بر زیورآلات زنان و مردان عصر ساسانی» (فتحی‌پور، ۱۳۹۲) که بیشتر بر مطالعه نقش برجسته‌ها تأکید کرده؛ «شاهکارهای هنر ایران» (اپهام پوپ، ۱۳۳۷) که به‌صورت محدود برخی از زیورآلات ساسانی را در کتاب خود مطالعه و بدانها پرداخته است. این اثر یادبود نمایشگاه‌های هنر ایران است؛ «بررسی وضعیت پوشاک و زیورآلات زنان ایران ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) به استناد آثار موجود» (واحدی، ۱۳۹۲) که تنها برخی از زیورآلات زنان عصر ساسانی را

گردآوری یافته‌های آن، بر اساس پژوهش‌های میدانی (شامل بازدید از موزه‌ها و زیورآلات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی، تهیه طرح و عکس، یادداشت‌برداری و...) و مطالعات کتابخانه‌ای (شامل بررسی متون تاریخی و استفاده از اسناد، کتب و گزارش‌های موجود در آرشیو اداره‌های میراث فرهنگی) است. این پژوهش تمامی زیورآلات عصر ساسانی یعنی: گوشواره، گردن‌بند، تاج، انگشتر، دستبند، ریش‌بند و سنجاق سرها را که متعلق به مردان و زنان این عصر بوده، مورد مطالعه قرار داده و نتایج خود را بر اساس نمونه‌های انتخابی از تمامی زیورآلات این عصر ارائه نموده است. در این پژوهش تنها تعداد ۵۵ زیورآلات ساسانی و یا اشیاء هنری این عصر که بر روی آن‌ها جواهرات به نمایش درآمده، به‌صورت روشمند انتخاب گردیده است. در واقع باید گفت که جامعه آماری و نمونه‌گیری به شیوه غیر تصادفی و هدفمند و بر اساس میزان فراوانی، تکنیک‌ها و فرم این آثار فرهنگی بوده است.

### زیورآلات دوره ساسانی

در دوره ساسانیان، هنر طلا و جواهرسازی، مانند سایر هنرها به شکوفایی رسید. کیفیت و پیچیدگی‌های هنری و تزئینی جواهرات و زیورآلات مربوط به این دوره، گواه بر این امر است. در عصر ساسانیان طلا مصرف زیادی داشته و بنابر نوشته‌های مورخین سرشناسی نظیر ویل دورانت (دورانت، ۱۳۹۸)، گیرشمن (گیرشمن، ۱۳۵۰) و دیگران، در طی این دوره مصنوعات طلا، جواهرات، زیورآلات و سنگ‌ها و مواد طبیعی قیمتی، رونق فراوانی داشته است و طبقه اشراف و ثروتمندان جامعه عموماً از زیورآلات گران‌بها بهره می‌بردند. استفاده از زیورآلات در میان طبقه حاکمه و اشراف ساسانی به‌حدی بوده که تثوفیلاکتوس، مورخ بیزانسی در حالت جذبه‌ای که از تماشای تاج هرمز اول به وی دست داده؛ آن را چنین توصیف می‌کند: «تاج شاهی از طلا و مرصع به جواهرات بوده و با تالو یاقوت‌های آتشین، دیدگان را خیره می‌ساخت و رشته مرواریدی به گردن تاج وصل بود که در تماس با موی سر به درخشش درمی‌آمد، همان زمانی که تابندگی دل‌انگیز زمردها اشتیاقی سیری‌ناپذیر در نگرنده برمی‌انگیخت و او را بر جا سنگ می‌کرد» (پوپ، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در کنار طبقه اشراف، ظاهراً بلندپایگان و ثروتمندان جامعه نیز، در ساخت زیورآلات و استفاده از آن از دربار تقلید می‌کردند (رجبی،

مطالعه و به دیگر جواهرات این دوره اشاره‌ای نداشته است؛ «نمادشناسی نقوش زیورآلات ایران-ایلام آغازین تا پایان ساسانی» (ایرانمنش، ۱۳۹۴) که زیورآلات ایران باستان از دوره ایلام تا ساسانی را مطالعه نموده و تنها اشکال گیاهان و میوه‌ها، حیوانات اساطیری، تصاویر حیوانی، تصاویر انسانی و اجسام آسمانی به‌عنوان پنج تم اصلی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ «ریشه‌یابی طرح‌ها و نقش‌مایه‌های زیورآلات ایران باستان» (فریدنیان، ۱۳۸۶) که آثار هخامنشی تا ساسانی را مطالعه نموده و تنها به نمادشناسی نقوش موجود بر روی این آثار تأکید دارد؛ «مطالعه زیورآلات پادشاهان سلسله‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی» (زجاجی، ۱۳۹۱) که زیورآلات دوره‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را مورد مطالعه قرار داده و تنها به نقوش برجسته، نقوش روی سکه‌ها و گاهاً ظروف فلزی پرداخته است؛ «نقش‌نشانه و سمبل در طراحی زیورآلات زنان دوره ساسانی» (عصری، ۱۳۸۸) که به شناخت و استخراج سمبل‌ها و نشانه‌های به‌کار رفته در آثار هنری این دوران و الهام از آنها در طراحی زیورآلات امروزی پرداخته است؛ «بررسی زیورآلات دوره ساسانی موجود در موزه ایران باستان» (احمدی، ۱۳۸۷) که تنها به زیورآلات ساسانی موجود در موزه ایران باستان پرداخته؛ اشاره کرد. علاوه بر نمونه‌های مذکور، در برخی از مطالعات نیز اشارات اندکی به هنر جواهرسازی دوران ساسانی شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های رومن گیرشمن تحت عنوان «ایران از آغاز تا اسلام» (گیرشمن، ۱۳۵۰)، «هنرهای ایران» اثر دلیو فریه (فریه، ۱۳۷۴)، «هنرهای ایران» اندره گدار (گدار، ۱۳۵۸)، «فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی» (گانتز، ۱۳۸۳)، «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران» (احسانی، ۱۳۶۸) و... اشاره داشت. در ارتباط با زیورآلات و جواهرات دوران ساسانی، چندین پژوهش صورت گرفته، اما تا به حال پژوهش جامع و کاملی در این زمینه به انجام نرسیده و تأثیر هویت افراد بر فرم‌های زیورآلات ساسانیان نیز مورد مطالعه قرار نگرفته است، بنابراین این مساله نگارندگان را بر آن داشت تا پژوهش خود را در این راستا تنظیم کنند.

### مواد و روش تحقیق

در پژوهش حاضر، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و

ساسانی، ظروف و بشقاب‌های فلزی و مهرهای موجود در موزه ایران باستان، موزه متروپولیتن (Harper and Meyers, 1981, pi:xxi)، موزه تماشاگه پول (سرفراز، آورزمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳) امری میسر است. برخی از گوشواره‌های مورد بررسی نیز حاصل یافته‌های محوطه‌های ساسانی همچون کاوش‌های عمارلوی گیلان، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994, fig: 113) و ... است. گوشواره‌های این دوره عموماً به صورت گوی‌های درشت و کوچکی هستند که از جنس مروارید ساخته شده‌اند که خود نیز به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. گونه‌ی دیگر از گوشواره‌ها به صورت حلقه‌های مفتولی و آویزهایی از جنس طلا به همراه برخی تزئینات هستند. به طور کلی گوشواره‌های دوره ساسانی از لحاظ فرم کلی به گونه‌های متفاوتی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: گوشواره‌های تک‌گوی مرواریدی، گوشواره‌های دوگوی مرواریدی، گوشواره‌های سه‌گوی مرواریدی، گوشواره‌هایی با رشته‌های مروارید، گوشواره‌هایی با فرم اشک یا قطره، گوشواره با حلقه اتصال، گوشواره‌های آویز دایره‌ای شکل، گوشواره‌های زرین با اشکال حلقه‌ای، مفتولی، بیضی و گوشواره‌های زرین آویزی. مطالعات صورت گرفته روی نمونه‌های باقی مانده از این زیور در آثار این دوره، نشان می‌دهد که در استفاده از نوع گوشواره‌ها برای مردان و زنان تفاوت‌هایی نیز وجود داشته است. از آن جمله گوشواره‌های دارای دوگوی مرواریدی و فرم اشکی در تمامی موارد متعلق به زنان استفاده شده؛ هرچند که برای مردان نیز در مواردی محدود استفاده شده است؛ همچنین گوشواره با آویزهای بلند نیز بیشتر مختص به زنان بوده است.

۱۳۸۰: ۴۸۹). این در حالی است که اطلاعات ما در ارتباط با مردم عادی و میزان استفاده آن‌ها از زیورآلات بسیار کم بوده و تنها از روی نقوش این افراد بر روی برخی از آثار همچون نقش برجسته‌ها و ظروف زرین و سیمین این دوره، می‌توان به اندک اطلاعاتی دست یافت. به طور کلی مردم عادی از این آثار گرانبها کمتر استفاده می‌کردند. به طور کلی در ارتباط با زیورآلات دوران ساسانی باید عنوان کرد که علاوه بر نمونه‌های باقی مانده از این دوره در نتیجه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی که امروزه در موزه‌ها موجود هستند؛ آثار هنری این دوره همچون نقوش برجسته‌ها و تندیس‌های سنگی و گچی و همچنین ظروف فلزی و سکه‌ها و مهرهای این دوره نیز اهمیت فزاینده‌ی خودآرایی و کاربرد زیورآلات را در دوره ساسانی به تصویر می‌کشند. در این آثار معمولاً شاهان و بزرگان در حالی که تاجی بر سر نهاده‌اند و گوشواره و گردن‌بند و ریشی که درون حلقه‌های جمع شده و همچنین به همراه گوشواره‌هایی آویزان و ... به نمایش درآمده‌اند (فریدنیان، ۱۳۸۶: ۱۴۶) که اکثراً شبیه نمونه‌های باقی مانده از این دوره بوده و مطالعه آن‌ها می‌تواند منجر به شناختی دقیق از آثار هنری و زیورآلات این دوره گردد.

### گونه‌شناسی زیورآلات دوران ساسانی





#### الف) گوشواره‌ها

گوشواره‌ها جزو زیورآلاتی هستند که در دوره ساسانی استفاده از آن برای زنان و مردان متداول بوده است. گونه‌شناسی و طبقه‌بندی گوشواره‌ها، از طریق مطالعه نقوش روی سکه‌ها، نقش برجسته‌ها، نیم‌تنه‌های گچی

جدول ۱- گونه‌شناسی گوشواره‌های ساسانی (ماخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه شناسی گوشواره‌ها	تصویر	طرح	توضیحات
۱	گوشواره‌های مرواریدی گوشواره‌های تک‌گوی مرواریدی			این نوع از گوشواره که در بشقاب زرانودود شده شاپور دوم ساسانی به چشم می‌خورد؛ جزء ساده‌ترین گونه‌ها به نظر می‌رسد. این گوشواره متشکل از یک تک‌گوی درشت مرواریدی است، به طوری که از لاله‌ی گوش آویخته شده است که نمونه‌های مشابه آن را در سکه‌های نقره هرمز یکم می‌توان دید.
		(Harper and Meyers, 1981, pi:xxi)		

<p>در نقش روی بشقابی از نقره که بهرام و ((سپینود)) را حک کرده‌اند، در گوش بانو سپینود گوشواره‌ای به صورت دو گوی مرواریدی که روی هم ساخته شده قابل مشاهده است.</p>		 <p>(Schroeder, 1940:23)</p>	<p>۲</p> <p>گوشواره‌های دوگویی مرواریدی</p> <p>گوشواره‌های مرواریدی دوگویی بدون آویز</p>
<p>گوشواره‌های خسرو دوم متشکل از سه دانه مرواریدند. روی سکه‌های پادشاهان دیگری هم چون؛ قباد یکم، هرمز چهارم، بهرام ششم، قباد دوم و خسرو سوم وجود دارد.</p>		 <p>(سرفراز، آورزمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)</p>	<p>۳</p> <p>گوشواره‌های سه‌گویی مرواریدی</p> <p>گوشواره‌های سه‌گویی مثلثی شکل</p>
<p>پیکره نیم‌تنه زنی که از کیش به دست آمده است دارای گوشواره‌هایی است که نمونه آن نیز در سکه‌های خسرو اول مشاهده می‌شود. این گوشواره‌ها متشکل از گوی‌های درشتی است که از یک رشته مروارید چسبیده به لاله گوش آویخته هستند (امینی، ۱۳۵۹: ۷۸).</p>		 <p>(گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۸۸)</p>	<p>۴</p> <p>گوشواره با رشته‌های مروارید</p> <p>گوشواره با یک رشته مروارید</p>
<p>روی سکه‌های بهرام پنجم، سکه‌های شاپور سوم و سردیس شاپور دوم نیز این نوع از گوشواره‌ها نمایان است.</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>۵</p> <p>گوشواره‌های با فرم اشک یا قطره</p> <p>گوشواره تک‌گویی اشکی شکل</p>
<p>در سردیس زن ساسانی مکشوفه از حاجی‌آباد فارس همین فرم اشکی شکل گوشواره به چشم می‌خورد؛ با این تفاوت که ساختار این نوع از گوشواره از سه بخش تشکیل شده است،</p>		 <p>(Azarnoush ۱۹۹۴, Fig:113)</p>	<p>گوشواره‌های دوگویی اشکی شکل</p>
<p>روی سکه اردشیر سوم، حلقه اتصال به شکل میله‌ای کوتاه درآمده که در ابتدا به یک هلال کوچک که تحذب آن به سمت بالا بوده، سپس به یک‌گویی کوچک و سرانجام به سنگ (جواهر) تخم مرغی شکلی آویزان است. (امینی، ۱۳۵۹: ۷۹).</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>۶</p> <p>گوشواره با حلقه اتصال گوشواره آویز دایره‌ای شکل</p>
<p>نقش گوشواره حک شده روی گل مهر ساسانی، ساختاری آویزی شکل دارد که از سه قسمت تشکیل شده است.</p>		 <p>(Metropolitan Museum)</p>	<p>۷</p> <p>گوشواره آویز دایره‌ای شکل</p>

<p>گوشواره‌های مکشوفه از سیراف به صورت یک جفت گوشواره حلقه‌ای شکل است که، قسمت‌های میانی هر کدام از آنها با مروارید تزئین شده است. این مرواریدها روی اشکالی به صورت دو پایه که از دانه‌های گرانولی ساخته شده است، قرار دارد.</p>		 <p>(هرمان، ۱۳۸۷: ۱۵۴)</p>	<p>گوشواره‌های زرین حلقه‌ای شکل</p>	<p>۸</p>
<p>گونه دیگری از گوشواره‌ای که در قصر ابو نصر یافت شده دارای فرمی مفتولی به صورت حلقه است. این گوشواره دارای تزئیناتی به شکل دو گل انار است که به فاصله کمی از هم روی قسمت بالای گوشواره در کنار یک دیگر قرار گرفته‌اند.</p>		 <p>(Metropolitan Museum)</p>	<p>گوشواره‌های زرین مفتولی شکل با تزئینات انار</p>	<p>۹</p>

**ب) گردن‌بندها**

گردن‌بندها از دیگر زیورآلات مهم و کاربردی دوره ساسانی محسوب می‌گردند. با بررسی نقوش روی سکه‌ها، نقش برجسته‌ها، نیم‌تنه‌های گچی و زیورآلات مکشوفه، تا حدودی می‌توان به طبقه‌بندی و گونه‌شناسی گردن‌بندهای این دوران پرداخت. با توجه به مطالعات صورت گرفته گردن‌بندهای این دوران بیشتر از مهره‌های مروارید در ابعاد و اندازه‌های متفاوت ساخته شده است

(عصری، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۶)، در حالی که نمونه‌های بسیار اندکی از گونه‌های دیگری از گردن‌بندها نیز در دسترس است. گردن‌بندهای دوران ساسانی از لحاظ ساختار و جنس شامل؛ گردن‌بندهای یک رشته‌ای مرواریدی، گردن‌بندهای دو رشته‌ای مرواریدی، گردن‌بندهای سه رشته‌ای مرواریدی و گردن‌بند طلاست. گردن‌بندهای مرواریدی خود گونه‌های متفاوتی دارد که در جدول زیر به توضیح و ارائه گونه‌های آن پرداخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲- گونه‌شناسی گردن‌بندهای دوره ساسانی (مآخذ: نگارندگان)

توضیحات	طرح	تصویر	گونه‌شناسی گردن‌بندها	ردیف
<p>گردن‌بند شهبانو پوراندخت شامل؛ دو رشته مروارید است که در قسمت میانی رشته پایینی، آویزی احتمالاً سنگی به صورت دوکی شکل قرار گرفته است.</p>		 <p>(Fathi, 2017:288)</p>	<p>گردن‌بند دو رشته مرواریدی تک‌آویزه</p>	<p>۱</p>
<p>گردن‌بند حک شده روی سکه یزدگرد سوم، مشابه گردن‌بند ارشیر سوم است، به طوری که تنها اختلاف مشهود در آویزهای گردن‌بند اردشیر سوم است که در انتهای پلاک مدور به صورت مورب قرار گرفته‌اند.</p>		 <p>(سرفراز، آورزمانی، ۱۳۹۱: ۱۲۴)</p>	<p>گردن‌بند دو رشته‌ای مرواریدی با آویز مورب</p>	



<p>روی نیم‌تنه مکشوفه شاپور دوم در کاخ کیش دو نوع گردن‌بند به چشم می‌خورد؛ در ابتدا اولین نوع گردن‌بند با اندکی اختلاف مشابه نمونه‌های گردن‌بندهای یزدگرد سوم و اردشیر سوم است. دومین نوع گردن‌بند از سه رشته مروارید به‌همراه لوح‌های مربع شکلی که احتمالاً از طلا ساخته شده‌اند، تزئین شده است.</p>		 <p>(Erdmann, Kurt, 1951: fig: 10)</p>	<p>گردن‌بندهای سه رشته‌ای مرواریدی</p> <p>گردن‌بندهای سه رشته‌ای مرواریدی با لوح‌های تزئینی</p> <p>۲</p>	
<p>این گردن‌بند از طلا و با فن چکش‌کاری و جوشکاری ساخته شده که از عمارلوی گیلان یافت شده است (خالدیان، ۱۳۹۵: شکل ۷۷). در قسمت میانی این گردن‌بند سه نگین با سنگ‌هایی به رنگ سرخ و قهوه‌ای قرار گرفته است.</p>		 <p>(خالدیان، ۱۳۹۵: شکل ۷۷)</p>	<p>گردن‌بند طلایی</p> <p>۳</p>	

شیار، ستاره و سر عقاب نماد آناهیتا، شعاع‌ها و پرتوهای نور نماد میترا، بال‌های پرنده‌ای تیز پرواز نماد بهرام یا ورث‌رغنه و هلال ماه‌نمای خدای ماه بود، البته باید گفت نمادهای حیوانی به‌کار رفته در تاج پادشاهان ساسانی ممکن است مظهر یک ایزد نیکوکار باشد و یا با نشانه‌ی خانوادگی ساسانی مرتبط باشد (پرادا، ۱۳۸۳: ۲۹۳). به‌طور کلی تاج‌های ساسانی از سه بخش تشکیل می‌شده است: ۱. بخش زیرین تاج که از یک حلقه فلزی و دو روبان بلند پارچه‌ای تشکیل می‌شده است. ۲. بخش اصلی تاج که در بیشتر موارد کنگره‌دار بوده یا کناره‌های پهن و ساده‌ای داشته است. گاهی هم سطح تاج‌مانند تاج‌های اهورامزدا، میترا و آناهیتا دارای ترک‌ها و شیارهای موازی بوده است. ۳. بخش بالایی تاج که روی بخش اصلی قرار می‌گرفت و در دوره‌های مختلف اشکال گوناگونی داشته است (جدول ۳).

### ج) تاج‌ها

تاج‌های ساسانی نشانه و نماد فره پادشاهی این دوره به‌شمار می‌روند. تاج در آیین‌های پادشاهی ایران ساسانی نماد و نشانه فردی بود و هر شاه به‌وسیله آن متمایز می‌شد و در عین حال در ترکیب با تاج شاهی، به‌طور مجرد، معرف اندیشه سلطنت بود. به‌نظر می‌رسد که تاج، نشانه‌ای تمثیلی به‌مفهوم شکوه الاهی سلطنت یا فره، بود که تصور می‌کردند با قدرتی ویژه و الاهی مشروعیت سلطنت را به شاه می‌بخشد و همین امر سبب گردید که شاهان ساسانی را از تبار ایزدان بدانند (شاکد، ۱۳۸۶: ۲۴۱). روی تاج‌های ساسانی نشانه‌های گوناگونی وجود دارد. این نشانه‌ها نمادهایی از خدایان هستند که برای نشان دادن رابطه نزدیک میان خدا و شاه منظور شده بودند و باید گفت که تاج‌های ساسانی معرف به‌کار بردن نمادهای ایرانی برای تاج‌های پادشاهان است. کنگره باز نماد اهورامزدا، حلقه‌ها، شاخه‌ها، اشکال کوتاه شبیه به

جدول ۳- گونه‌شناسی تاج پادشاهان ساسانی






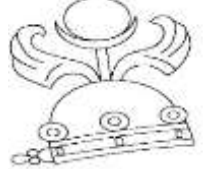


گونه‌شناسی نماد و نشانه‌های تاج‌ها	طرح	تصویر تاج‌ها	نام پادشاه	ردیف
<p>روی سکه‌های اردشیر اول نمادهایی چون گوی بزرگ به‌همراه روبان‌های کوتاه در زیر گوی و روبان یا نوارهای بلند مواج به چشم می‌خورد.</p>		 <p>(Erdmann, Kurt, 1951: 124)</p>	<p>اردشیر اول</p>	<p>۱</p>

<p>روی سکه‌های شاپور اول، تاج شاه دارای کنگره سه‌گانه است (امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) که در قسمت فوقانی آن گوی بزرگی به‌همراه یک روبان دیده می‌شود. در قسمت تحتانی کنگره نیز دو روبان بلند قرار گرفته است.</p>		 <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a>	شاپور اول	۲
<p>نمادهای روی سکه هرمز اول شامل گوی بزرگی است که دو روبان به قسمت تحتانی آن وصل شده است. روی سطح تاج نیز تزئیناتی گیاهی مشاهده می‌شود. در قسمت تحتانی تزئینات گیاهی دو روبان بلند به یکدیگر متصلند.</p>		 (Erdmann, Kurt, 1951:124)	هرمز یکم	۳
<p>تاج بهرام یکم دارای گوی بزرگی است که در میانه شعاع‌های خورشیدی شکلی قرار گرفته‌اند (امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). در قسمت انتهایی تاج نیز دو عدد روبان نمایان است.</p>		 (Erdmann, Kurt, 1951:124)	بهرام یکم	۴
<p>روی سکه بهرام دوم در قسمت تحتانی گوی بزرگ، تاجی بالدار (بال شاهین یا وره‌رام) به‌همراه دو روبان کوتاه جای گرفته است. در قسمت تحتانی تاج نیز دو روبان بلند وجود دارد. تاج بهرام دوم مروارید نشان است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰).</p>		 <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a>	بهرام دوم	۵
<p>نمادهای روی سکه نرسه، شامل گوی بزرگ با دو روبان کوتاه است. در قسمت‌های وسط تاج تزئیناتی به‌صورت ردیفی از دایره‌ها نمایان است. دو روبان بلند نیز به‌وسیله مهره‌ای به قسمت تحتانی تاج متصل شده‌اند. روی برخی سکه‌های نرسه، تزئینات گیاهی است (امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)</p>		 <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a>	نرسه	۶
<p>روی سکه هرمز دوم، نقش تاج بالدار یا در واقع بال شاهین به‌همراه گوی کروی شکل مشاهده می‌شود. در قسمت تحتانی گوی و نقش پرنده به ترتیب دو روبان کوتاه و ردیفی از مروارید نمایان است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰). دو روبان بلند نیز به انتهایی تاج متصل است.</p>		 (پاکزادیان، ۱۳۸۴: ۹۴)	هرمز دوم	۷



<p>شاپور دوم دارای تاجی کنگره‌ای به‌همراه گوی بزرگ است که در بخش تحتانی کنگره تزئینات گیاهی مشاهده می‌شود. در انتهای تاج نیز دو روبان بلند قرار گرفته است.</p>		 <a href="http://www.pinterest.com">www.pinterest.com</a>	<p>شاپور دوم</p> <p>۸</p>
<p>تاج اردشیر دوم شامل یک گوی کروی به‌همراه دو روبان کوتاه و ردیفی از مروایدهاست. در بخش تحتانی تاج او روبان بلند و موج به یکدیگر متصل شده‌اند.</p>		 (پاکزادبان، ۱۳۸۴: ۱۰۹)	<p>اردشیر دوم</p> <p>۹</p>
<p>روی سکه شاپور سوم تاجی به‌صورت یک گوی متوسط با تزئیناتی گیاهی در سه بخش مجزا مشاهده می‌شود. در قسمت تحتانی گوی تنها دو روبان که دارای اندازه‌های متوسطی است، نمایان است. تاج شاپور مرواریدنشان است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰)</p>		 (Metropolitan Museum)	<p>شاپور سوم</p> <p>۱۰</p>
<p>روی سکه بهرام چهارم نقش شاه با تاجی بالدار به‌همراه یک گوی متوسط قابل مشاهده است. در زیر گوی دو روبان در اندازه‌های متوسط از زیر گوی بیرون آمده و به سمت بالا رفته است. در سمت راست سکه نیز بخشی از یک کنگره به‌صورت نیم‌رخ نمایان است. در بخش تحتانی تاج نیز ردیفی از مرواریدها به چشم می‌خورد (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰).</p>		 (Metropolitan Museum)	<p>بهرام چهارم</p> <p>۱۱</p>
<p>تاج یزدگرد مزین به نقش ماه است (امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). روی سکه یزدگرد اول تاجی با یک گوی متوسط به‌همراه دو روبان نمایان است. در بخش تحتانی گوی، یک کنگره و ردیفی از مروایدها وجود دارد. روی پیشانی تاج نیز تصویر هلال ماه به چشم می‌خورد (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰).</p>		 (coinarchives.com)	<p>یزدگرد اول</p> <p>۱۲</p>
<p>تاج بهرام پنجم شامل گوی متوسطی است که در طرفین آن دو کنگره به‌صورت نیم‌رخ قرار گرفته است. در زیر گوی دو روبان و یک هلال ماه به چشم می‌خورد. در زیر کنگره‌ها نیز ردیفی از مروایدها قابل رؤیت است.</p>		 (www.pinterest.com)	<p>بهرام پنجم</p> <p>۱۳</p>
<p>تاج یزدگرد دوم به‌صورت کنگره‌ای است که در قسمت تحتانی آن گوی کوچک به‌همراه یک هلال ماه دیده می‌شود. در بخش تحتانی هلال ماه دو روبان قابل مشاهده است.</p>		 (coinarchives.com)	<p>یزدگرد دوم</p> <p>۱۴</p>

<p>تاج پیروز شامل گویی کوچکی است که که روی هلالی از ماه قرار گرفته است. در کناره‌های گوی یک جفت بال نمایان است. روی پیشانی تاج دو کنگره و هلال کوچکی از ماه دیده می‌شود. در قسمت تحتانی کنگره‌ها ردیفی از مرواریدها جای گرفته است.</p>		 <p>(Metropolitan Museum)</p>	پیروز	۱۵
<p>بلاش دارای تاجی کنگره‌ای به همراه گوی متوسطی است که در قسمت تحتانی آن هلالی از ماه و دو روبان کوتاه جای گرفته است. در قسمت زیر کنگره‌ها دو ردیف از دانه‌های مروارید نمایان است.</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	بلاش	۱۶
<p>تاج قباد شامل گوی کوچکی به همراه هلالی از ماه و دو روبان کوتاه است که در قسمت‌های تحتانی آن یک کنگره به صورت تمام‌رخ و دیگری به صورت نیم‌رخ قرار گرفته است. در قسمت زیرین کنگره‌ها دو ردیف از مرواریدها قابل مشاهده است.</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	قباد اول	۱۷
<p>نقش تاج جاماسپ به صورتی گوی کوچکی است که روی هلالی از ماه قرار گرفته است. در زیر هلال دو روبان کوچک نمایان است. در طرفین تاج دو کنگره به صورت نیم‌رخ روی دو ردیف از مرواریدها جای گرفته است. در وسط کنگره‌ها نیز هلال کوچکی از ماه قابل مشاهده است.</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	جاماسپ	۱۸
<p>تاج خسرو اول به صورت گوی متوسطی است که در قسمت زیرین آن هلالی از ماه و دو روبان کوتاه قرار گرفته است. کنگره‌ها در این تاج به صورت تمام‌رخ و نیم‌رخ جای گرفته‌اند. بر قسمت پیشانی تاج هلال کوچکی از ماه و دو ردیف مروارید با فاصله نسبتاً کمی جای گرفته است. نقش ستاره نیز بر روی تاج خسرو است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰).</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	خسرو اول	۱۹
<p>تاج هرمز چهارم شامل گوی کوچکی است که در قسمت زیرین آن هلالی از ماه و دو روبان کوتاه قرار گرفته است. دو کنگره به صورت تمام‌رخ و نیم‌رخ روی تاج قرار گرفته است. بر قسمت پیشانی تاج هلال کوچکی از ماه و دو ردیف مروارید دیده می‌شود.</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	هرمز چهارم	۲۰

<p>روی تاج خسرو دوم، یک جفت بال شاهین جای گرفته است. در وسط بال‌ها هلالی از ماه به‌همراه یک ستاره قرار گرفته است. کنگره‌ها نیز در این تاج به‌صورت نیم‌رخ و تمام‌رخ قابل مشاهده است. دو ردیف از مرواریدها در زیر کنگره‌ها نمایان است. در پیشانی تاج شاه نیز می‌توان نقش هلال ماه کوچکی را دید.</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	<p>خسرو دوم</p>	<p>۲۱</p>
<p>روی تاج قباد دوم گوی کوچکی در درون هلال ماهی بزرگ قرار گرفته است. در زیر هلال دو روبان کوتاه نمایان است. کنگره‌ها در این تاج حالت نیم‌رخ و تمام‌رخ دارد. در قسمت پیشانی تاج هلال کوچکی از ماه و دو ردیف مروارید نمایان است.</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>قباد دوم</p>	<p>۲۲</p>
<p>روی تاج اردشیر سوم، یک جفت بال شاهین به‌همراه گوی کوچکی در میانه قرار گرفته است. سه کنگره روی سطح تاج دیده می‌شود که کنگره‌های طرفین به‌صورت نیم‌رخ و کنگره وسطی به‌حالتی تمام‌رخ دارد. در قسمت زیرین تاج‌ها دو ردیف از مرواریدها جای گرفته است.</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>اردشیر سوم</p>	<p>۲۳</p>
<p>تاج پوران دخت شامل گوی کوچکی است که در قسمت میانی یک جفت بال شاهین قرار گرفته است. در قسمت پیشانی تاج تزئیناتی به‌صورت دایره مانند قابل مشاهده است.</p>		 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>پوران دخت</p>	<p>۲۴</p>
<p>تاج یزدگرد سوم به‌صورت یک جفت بال شاهین است که در میانه آن هلالی از ماه به‌همراه یک ستاره قرار گرفته است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۰). کنگره‌ها در پیشانی تاج‌ها به‌صورت تمام‌رخ و نیم‌رخ جای گرفته‌اند. در قسمت زیرین کنگره‌ها دو ردیف از مرواریدها قابل مشاهده است.</p>		 <p>(coinarchives.com)</p>	<p>یزدگرد سوم</p>	<p>۲۵</p>

#### (د) انگشترها و مهرهای انگشتری

نمونه‌های باقی‌مانده از انگشترهای دوران ساسانی به نسبت دیگر زیورآلات این دوره کم بوده و بیشترین اطلاعات مربوط به انگشترهای این دوره، حاصل یافته‌های محوطه‌های ساسانی و نمونه‌هایی است که در موزه‌های معتبر نگه‌داری می‌شوند. به‌طور کلی انگشترهای این دوران از نوارهای پهن و باریکی ساخته شده است که، در برخی از

موارد قسمت‌های نگین انگشتر به‌همراه نقوش کنده و دانه‌های گرانولی تزئین شده است. انگشترهای دوره ساسانی به لحاظ فرم و آلیاژ استفاده شده به انواع محدودی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: انگشترهای مفرغی، انگشترهای طلائی و نقره‌ای. گونه‌هایی از انگشترهای طلائی به‌عنوان مهر انگشتری کاربرد داشته‌اند. در ارتباط با مهرهای انگشتری نیز باید عنوان کرد که

افراد والامقام و شاهان ساسانی دیده می‌شود، بنابراین باید گفت که این هنر مختص دربار و در کارگاه‌های خصوصی تهیه می‌شده است (کریمی، ۱۳۹۰: ۱ و جدول ۴).

نمونه‌های زیادی از این آثار زینت‌بخش موزه‌های دنیا و مجموعه‌های خصوصی است. نقوش قرار گرفته روی نگین این مهرهای انگشتری بیشتر شامل نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی بوده و روی بیشتر این آثار هنری، نقش نیم‌تنه

جدول ۴- گونه‌های انگشتر دوره ساسانی (مآخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه‌شناسی انگشتر	تصویر	توضیحات
۱	انگشتر برنزی بیضی با نقش کنده حیوانی	 (Metropolitan museum)	انگشتر مکشوفه از قصر ابونصر به صورت نواری پهن، از جنس برنز و با فن چکش کاری ساخته شده است. این انگشتر در طرف روی دست بسیار پهن بوده و روی آن نقشی شبیه به حیوان کنده شده است.
۲	انگشتر برنزی مدور با نقش کنده حیوانی	 (Metropolitan museum)	انگشتر منسوب به دوره ساسانی از نوار بسیار پهن برنزی و با فن چکش کاری و جوشکاری ساخته شده است. سطح انگشتر برنزی دارای یک صفحه مدور، با نگین عقیق سرخ است. در اطراف نگین انگشتر تزئیناتی به صورت دانه گرانولی ریز در دو ردیف قابل مشاهده است. روی نگین انگشتر نیز نقوشی به صورت کنده کاری حک شده است
۳	انگشتر طلایی نگین دار	 (Whitcomb, 1985, pl: 51)	بدنه انگشتر شناسایی شده در قصر ابونصر به صورت نوار نازکی از طلا و با فن چکش کاری ساخته شده است. روی سطح انگشتر دو دایره به هم چسبیده قرار گرفته است که فضای داخلی آنان به وسیله دو نگین پر شده است
۴	مهر انگشتری با سر حیوان/ مهر انگشتری طلا با سر قوچ	 (موزه ملی ایران)	مهر انگشتری ساسانی کشف شده از رودبار، به شکل سر قوچ و از جنس طلا ساخته شده است. روی سطح این انگشتر نگینی قرمز با نقشی از حیوان حک شده است. در ساخت این انگشتر از روش چکش کاری استفاده کرده‌اند.
۵	مهر انگشتری طلای مدور	 (Lerner, 1976: 182)	مهر انگشتری منسوب به دوره ساسانی از جنس طلا و با فن چکش کاری و جوشکاری ساخته شده است. بدنه این انگشتر به صورت حلقه‌ای پهن است که بر روبان یک پایه استوانه‌ای قرار گرفته است. روی این پایه استوانه‌ای نگین با نقشی از یک قوچ خمیده حک شده است. روی پایه‌های استوانه‌ای و قسمت‌های خارجی بدنه انگشتر، تزئینات ریزی به صورت دانه‌های گرانولی مشاهده می‌شود.
۶	انگشتر مفتولی ساده نقره	 (Whitcomb, ۱۹۸۵, pl:5۱)	این انگشتر دارای بدنه مفتولی پهنی است که، از آلیاژ نقره و با دو فن چکش کاری و جوشکاری ساخته شده است. انگشتر یافت شده از قصر ابونصر به صورت حلقه مفتولی ساده‌ای است که روی سطح آن دانه‌های نقره‌ای به صورت سه نگین قرار گرفته اند (pl:5۱، Whitcomb, ۱۹۸۵).

## ه) دست‌بندها

گروه دیگری از زیورآلات عصر ساسانی را دست‌بندها تشکیل می‌دهند. متأسفانه در مورد دست‌بندها اطلاعات اندکی در دست است و برخلاف نمونه‌های پیشین زیورآلات تعداد محدودی از آن‌ها در ضمن حفاری محوطه‌های ساسانی شناسایی و معرفی شده‌اند. بررسی

گونه‌های دیگر نیز از طریق مطالعه نقوش موزاییک‌های بیشاپور، بشقاب‌ها و ظروف فلزی دوره ساسانی امکان‌پذیر است. گونه‌شناسی و طبقه‌بندی دست‌بندها از لحاظ جنس و طرح به سه نوع تقسیم می‌شوند که عبارتند از: دست‌بند طلایی ساده، دست‌بندهای مفرغی ساده و دست‌بند مسی با نقوش کنده (جدول ۵).

جدول ۵- گونه‌شناسی دست‌بندها (ماخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه شناسی دست‌بندها	تصویر	طرح	توضیحات
۱	دست‌بند طلایی ساده	 (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۴۳)		تصویر زن چنگ‌نوازی که روی موزاییک‌های بیشاپور نقش بسته مزین به زیورآلاتی هم چون گوشواره و گردن‌بند است. بازوها و مچ‌ها نیز دارای بازوبند و دست‌بندهایی به شکل حلقه‌های ساده طلایی هستند. مشابه این نوع از دست‌بندها روی نقاشی دیواری‌های کوه خواجه، تصویر زنان رامشگر روی ظروف فلزی و همچنین بشقاب‌های دوره ساسانیان دیده می‌شود (شهبازی شیران و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۱؛ ۲۴۴).
۲	دست‌بند برنزی ساده	 (Metropolitan Museum)		دست‌بند برنزی ساده که در میان‌رودان (تیسفون) شناسایی شده است؛ دارای ساختاری ساده و بدون نقش بوده که با استفاده از فن چکش‌کاری ساخته شده است. این نوع از دست‌بندها جزء متداول‌ترین گونه‌ها هستند. نمونه این گونه دست‌بندها به‌وفور در موزه ایران باستان موجود است (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۰)
۳	دست‌بند مسی با نقوش کنده			دست‌بند مکشوفه از قصر ابونصر از جنس مس است. روی سطح این دست‌بند شیارهایی به فواصل نسبتاً منظم حک شده است و در انتهای دست‌بند دو سر مار روی یکدیگر قرار گرفته است. به نظر می‌رسد؛ این دست‌بند در ابتدا با فن ریخته‌گری ساخته شده و سپس خطوط و نقوش روی آن با استفاده از قلم حکاکی ایجاد شده است.

## و) ریش‌بندها

ریش‌بندها در واقع به گونه‌ای از جواهرات شاهنشاهی اطلاق می‌شود که نمونه‌هایی از آن را تنها در بین آثار پادشاهان ساسانی می‌توان دید. بیشترین اطلاعات به دست

آمده از این نوع جواهرات در بین آثار ساسانی مانند؛ سکه‌ها، نیم‌تنه‌ها و نقش برجسته‌ها قابل مشاهده است. این نوع از جواهرات به‌عنوان یکی از نمادهای سلطنتی به شمار می‌رود که گویی دارای جنبه آیینی- سلطنتی است.

را با آن می‌بستند (رجبی و افشاری، ۱۳۹۶: ۴۰). متأسفانه به دلیل محدود بودن پژوهش‌های صورت‌گرفته جنس این نوع از جواهرات قابل بیان نبوده و فقط گونه‌های متفاوتی از آن‌ها قابل توضیح و تشریح است (جدول ۶).

با ظهور اردشیر پاپکان استفاده از این جواهرات به‌عنوان یکی از نشانه‌های شاهنشاهی مطرح شد و شاهان ساسانی زمانی که قصد نشان دادن موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را داشتند، از ریش‌بند استفاده می‌کردند و انتهای ریش خود

جدول ۶- گونه‌شناسی ریش‌بندهای ساسانی (ماخذ: نگارندگان)










ردیف	تصویر	توضیحات
۱	 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>اولین نمونه از جواهراتی که در آن ریش‌بند به نمایش درآمد، تصویر اردشیر پاپکان در نقش برجسته فیروزآباد است. در این تصویر جواهرات سلطنتی به صورت دو عدد مهره به قسمت‌های انتهایی ریش وصل شده است به طوری که ریش حالتی شبیه به دو روبان از هم جدا را به خود گرفته است.</p>
۲	 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>در تصویری که از شاپور اول روی سکه نقش شده است نمونه دیگری از ریش‌بندها به چشم می‌خورد. این نوع از جواهر در قسمت تحتانی چانه به صورت مهره قرار گرفته است. بعد از قرارگیری جواهر ریش پادشاه حالتی مدور پیدا کرده است.</p>
۳	 <p>(www.pinterest.com)</p>	<p>جواهر به‌کار رفته در سردیسی که منسوب به یکی از پادشاهان ساسانی است حالتی شبیه به حلقه‌ای مسطح را دارد. در این سردیس جواهری که به‌عنوان ریش‌بند استفاده شده در قسمت انتهایی چانه مدور است. بعد از قرارگیری این نوع از جواهر ریش پادشاه به دو قسمت تقسیم شده است.</p>

### ز) سنجاق سرها

سنجاق سرها گروهی دیگر از زیورآلات دوره ساسانی هستند که تعداد بسیار محدودی از آن‌ها در بخش‌هایی از ایران و بین‌النهرین مطالعه و شناسایی شده است. سنجاق سرهای این دوران با توجه به شکل ظاهری به گونه‌های

متفاوتی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- سنجاق سر میله‌ای با سر حلقوی شکل ۲- سنجاق سر عاجی با سر کروی شکل ۳- سنجاق سر نقره‌ای با سر هلالی شکل ۴- سنجاق سر میله‌ای با سر گیاهی ۵- سنجاق سر میله‌ای با سر دایره‌ای شکل (جدول ۷).

جدول ۷- گونه‌شناسی سنجاق سرهای ساسانی (مآخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه‌شناسی سنجاق‌ها	تصویر	طرح	توضیحات
۱	سنجاق سر میله‌ای با سر حلقوی شکل			سنجاق سر مکشوفه از تیسفون دارای بدنه باریکی از جنس برنز است. ابعاد طولی این سنجاق سر ۱۳×۳۴ سانتی‌متر است و در قسمت‌های سر دارای تزئیناتی حلقوی شکل است که قسمتی از آن از بین رفته است (Metropolitan Museum).
		(Metropolitan Museum).		
۲	سنجاق سر عاجی با سر کروی شکل			این سنجاق سر از جنس عاج و با سری کروی در طی کاوش‌های شهر تیسفون یافت شده است. بدنه این سنجاق سر ساختار میله‌ای دارد و طول آن ۱۰×۱ سانتی‌متر است (Metropolitan Museum).
		(Metropolitan Museum).		
۳	سنجاق سر نقره‌ای با سر هلالی شکل			سنجاق هلالی شکل مکشوفه در قصر ابونصر از جنس نقره و دارای ابعادی به اندازه ۸×۲۶ سانتی‌متر است. روی سطوح این سنجاق سر خطوط کنده‌کاری شده هندسی حک شده است. این خطوط کنده‌کاری شده به‌صورت هاشورهایی است که شبکه‌ای از لوزی‌ها را تشکیل داده‌اند. در قسمت میانی این سنجاق سر سوراخی تعبیه شده است (Metropolitan Museum).
		(Metropolitan Museum).		
۴	سنجاق سر مفرغی با تزئین گیاهی			سنجاق میله‌ای یافت شده از قصر ابونصر با سر گیاهی به‌شکل گلی سه‌پر، از جنس برنز ساخته است. این سنجاق دارای طولی به ابعاد ۷×۹۲ سانتی‌متر است (Metropolitan Museum).
		(Metropolitan Museum).		
۵	سنجاق سر میله‌ای با سر دایره‌ای شکل			این سنجاق میله‌ای با سر دایره‌ای شکل از مس ساخته شده است. این سنجاق سر در قصر ابونصر یافت شده و دارای ابعاد طولی ۱۸×۰۸ سانتی‌متر است.
		(Metropolitan Museum).		

## تحلیل یافته‌های پژوهش

یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و هنر در ایران، دوران ساسانی است که نه تنها معماری بی‌نظیرش تجلی‌گاه اندیشه، ذوق و هنر ایرانی‌ست؛ بلکه مصنوعات این دوره نیز، نشانه بارزی از فرهنگ متعالی است که با آداب و رسوم و اعتقادات مردم آن زمان رابطه تنگاتنگی دارد. زیورآلات، از جمله مصنوعات عصر ساسانی بوده که هم مردان و هم زنان به وفور از آن‌ها بهره برده‌اند. بر اساس یافته‌های برجای‌مانده و سایر اسناد موجود از دوره ساسانی در ایران، می‌توان حدس زد که در طی این دوره همه گونه زر، زیور و گوهری استفاده می‌شده و نسبت به استفاده از آن همانند ادوار پیشین همچون هخامنشیان، علاقه‌مندی وافر وجود داشته است (عصری، ۱۳۸۷: ۱۰). آنچه که مسلم است، استفاده از زیورآلات مفتخر و گران‌بها در عصر ساسانی مختص طبقه حاکمه بوده است؛ بنا بر روایات پروکوپ<sup>۱</sup>، دستار یا تاج زربافته و مزین به مروارید، پس از مقام سلطنت، بزرگ‌ترین نشانه افتخار بود و هیچ‌کس حق نداشت انگشتی طلا، سربند، حلقه و سایر زیورآلات دیگر را بر خویش نصب کند، مگر آن‌ها که آن‌ها را از شخص شاه گرفته باشد (ضیاءپور، ۱۳۰۷: ۲۹۶). علاوه بر نمونه‌های برجای‌مانده از این دوره در موزه‌ها، ریزه‌کاری نقش مهرها، تزئینات تاج‌ها و نقش برجسته‌های روی سکه‌ها، سنگ‌ها و ... نیز از کاربرد زیورآلات زیبا و بدیع در دوران ساسانی حکایت دارد و آشکار است که چنین زیورآلاتی باید در کارگاه‌های شاهی و یا عمومی ساخته شده باشند (غیبی، ۱۳۸۴: ۲۴۷). مطالعات صورت‌گرفته روی زیورآلات عصر ساسانی نشان می‌دهد که در طی این دوره بیشتر از انواع زیورآلاتی همچون: تاج، ریش‌بند، دست‌بند، انگشتی، گردن‌بند، سنجاق سر و گوشواره بهره برده شده‌اند. این زیورآلات بر اساس فرم کلی و جنس و همچنین با توجه به آثار و نقوش موجود برجای‌مانده از دوره ساسانی به دو گروه: زیورآلات خصوصی و زیورآلات عمومی تقسیم می‌شوند. به نظر می‌رسد که در طی این دوره استفاده از زیورآلاتی همچون تاج‌ها و ریش‌بندها تنها مختص شاهان ساسانی بوده و سایر اعیان، اشراف و درباریان نیز حق استفاده از آن را نداشته، مگر آن‌ها که شاه ایران، این هدایا را بدانها بخشیده باشد، بنابراین این گروه از زیورآلات باید عموماً در کارگاه‌های مختص دربار تهیه شده باشند. علاوه بر این نمونه‌ها، برخی دیگر از زیورآلات این دوره کاربرد

عمومی‌تری داشته و علاوه بر طبقه حاکمه، افراد عادی نیز می‌توانستند از آن بهره‌مند گردند. بر اساس نمونه‌های به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی و همچنین نقوش افراد موجود روی آثار هنری این دوره، باید گفت که گوشواره‌ها و گردن‌بندها کاربردی عمومی داشته و هم طبقه حاکمه و هم افراد دیگر از آن بهره‌مند شدند. از طرف دیگر این دو زیور بر گوش و گردن سایر افراد، یعنی هم زنان و هم مردان مشاهده می‌گردد. بنابراین این گروه از زیورآلات باید در سایر کارگاه‌های خصوصی و عمومی تهیه شده باشند. در طی دوره ساسانی اکثر مزایا و همچنین هنر مختص طبقه اشراف و نجیب‌زاده بوده و کمتر به قشر عادی و اوضاع اجتماعی آن‌ها توجه می‌شده است. لذا از شواهد برجای‌مانده از عصر ساسانی به جز تصاویر اندک بر روی ظروف و یا نقوش برجسته‌ها، اطلاعات چندانی از زنان و مردان عادی این دوره در دست نیست. این تصاویر حاوی نقوش زنان خدمت‌کار در ضیافت‌های شاهانه و ملکه‌ها در حال پذیرایی می‌باشند و با استناد به آن‌ها می‌توان بیان کرد که این گروه از زنان از لحاظ پوشش و به‌کار بردن زیورآلات با دیگر زنان، یعنی اشراف تفاوت فاحشی دارند. زیورآلات آنان در حد گوشواره و گاهی گردنبند است که احتمالاً آن‌ها را به‌خاطر حضور در ضیافت‌ها و با توجه به مقام فردی که به او خدمت می‌کردند، دریافت می‌کردند و از جنس آن‌ها، این که آیا از طلا یا دیگر فلزات بود اطلاعی در دست نیست؛ ولی به‌نظر می‌رسد با توجه به موقعیت این خدمت‌کاران و تضاد طبقاتی در عصر ساسانی این زیورها از فلزات کم‌ارزش باشند (فتحی‌پور، ۱۳۹۲: ۶).

در میان نقوش افراد برجای‌مانده از عصر ساسانی روی آثار هنری این دوره، نمونه افرادی که در دست‌ان آن‌ها انگشتی و دست‌بند قرار گرفته باشد؛ موجود نیست و نمونه‌های به‌دست‌آمده از این دوره نیز مشخص نمی‌کند که چه کسانی از این زیورآلات استفاده کرده و مختص کدام گروه از مردان یا زنان است. به نظر می‌رسد که استفاده از انگشتی و دست‌بند نیز جنبه عمومی داشته و هم طبقه حاکمه و هم افراد عادی از آن استفاده کرده و تنها تفاوت آن شاید در نوع فرم و جنس این زیورآلات باشد. آخرین گروه از زیورآلات مطالعه شده یعنی سنجاق سرها نیز به احتمال زیاد مختص زنان عصر ساسانی بوده؛ چرا که در هیچ یک از نقوش شاهان ساسانی، سنجاقی که با آن موهای بلند سر خود را جمع و یا بسته نگه داشته



باشند، دیده نمی‌شود. به‌طور کلی در ارتباط با زیورآلات عصر ساسانی می‌توان گفت که در کنار استفاده فراوان شاهان از آن، طبقه اشراف و بزرگان و در نهایت مردم عادی نیز به نسبت کمتر، از این دسته از آثار بهره می‌بردند و این امر در واقع بازتابی از فضای حاکم در آن دوران است و ثبات، قدرت و استحکام حکومت این خصوصیت را سبب گشته است.

آویزهای بلندی ساخته شده‌اند که بیشتر مورد استفاده زنان بوده است. روی نگاره‌هایی که از زنان دوران ساسانی به دست آمده است؛ فرم‌های دیگری از زیورآلات نظیر بازوبند، پابند، دستبند دیده می‌شود که این نوع از زیورآلات باید بیشتر مختص به زنان بوده باشد. علاوه بر تفاوتی که در بین گونه‌های استفاده شده در میان مردان و زنان به چشم می‌خورد، اختلافات دیگری نیز در نحوه استفاده از زیورآلات برای آراستن خود، در بین اقشار مختلف مردم نیز دیده می‌شود. بخش محدودی از زیورآلات مورد استفاده در عصر ساسانی، بازتابی از قدرت و اقتدار شاهان این دوره است. از آن جمله ریشبند تنها در نقوش برجسته‌ها و تصاویر متعلق با شاهان آمده و همان‌طور که محققین نیز بدان اشاره کردند، این آثار را زمانی که قصد نشان دادن موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را داشتند، استفاده می‌کردند و بدین طریق به نوعی بر فر آن‌ها افزوده می‌شد. علاوه بر ریشبند، تاج‌ها نیز جزو مواردی هستند که می‌توان آن را در زمره‌ی جواهرات سلطنتی معرفی کرد؛ چرا که نشان‌دهنده وجه تمایز پادشاه از طبقه اشراف، درباریان، مردمان عادی و حتی دیگر پادشاهان ساسانی بوده است. این نوع از زیورآلات دارای نشانه‌های سلطنتی هستند که ریشه در باورها و آیین‌های دوران ساسانی داشته است. در نهایت باید عنوان کرد که در دوره ساسانی با توجه به امنیت و آسایش نسبی‌ای که در طی این دوره حکمفرما بوده؛ زیورآلات نیز جنبه‌های زیبایی‌شناختی و مجلل‌تری به خود می‌گیرند. در طی این دوره، تزئین در زیورآلات بیشتر از کاربرد آن‌ها اهمیت یافته است. همچنین می‌توان گفت که این دسته از آثار (مگر در موارد محدود)، بیشتر در خدمت طبقه اشراف و ثروتمندان بزرگ جامعه بوده و مردم عادی حق استفاده از آن را نداشتند؛ مگر تنها با اجازه شخص شاه و یا به دلیل پاداش، چنین هدایای را از شاه گرفته باشند.

#### پی‌نوشت

##### 1. Procope

مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته روی زیورآلات عصر ساسانی حاکی از آن است که در طی این دوره تاریخی، استفاده از جواهرات و زینت مردان و زنان بسیار رایج بوده و علاوه بر نمونه‌های به‌دست آمده، ریزه‌کاری‌های موجود روی نقوش شاهان ساسانی و سایر افراد به تصویر کشیده شده روی مهرها، نقوش برجسته‌ها، سکه‌ها، موزائیک‌ها و سایر هنرهای دیگر این دوره نیز مؤید این واقعیت است و از کاربرد خصوصی و عمومی این آثار هنری در میان افراد جامعه حکایت دارد. از زیورآلات عصر ساسانی، نمونه‌های زیادی در دست نیست و بیشتر اطلاعات، مربوط به نقوش زیورهای موجود روی آثار هنری این دوره است که مطالعه و تحلیل آن‌ها می‌تواند بسیاری از نادانستگی‌ها در ارتباط با زیورآلات این دوره را برطرف کند. در میان جواهرات و زیورهای شناسایی شده از این دوره، یکی از رایج‌ترین انواع زیورآلاتی که استفاده از آن در بین مردان و زنان جامعه ساسانی متداول بوده است؛ گردن‌بندها و گوشواره‌های گوی‌شکلی هستند که از جنس مروارید و یا سنگ‌های قیمتی ساخته شده‌اند. نمونه‌هایی از این زیورآلات، در داده‌های تصویری که از شاهان و درباریان آن زمان برجای مانده، به‌وفور قابل مشاهده است. ساختار و فن برخی از گوشواره‌ها، در نمونه‌های مورد مطالعه دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر هستند؛ بدین‌صورت که در موارد اندکی گوشواره‌ها از جنس طلا ساخته شده‌اند و برای زیبایی و تزئین آن نیز، از مروارید و سنگ‌های زینتی استفاده کرده‌اند. در نمونه‌های اندکی گوشواره‌ها به‌صورت

#### نتیجه‌گیری

کتاب‌نامه

۱. احمدی، احسان، ۱۳۸۷، بررسی زیورآلات دوره ساسانی موجود در موزه ایران باستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته صنایع دستی، دانشگاه هنر تبریز.

۲. اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. امینی، امین، ۱۳۵۹؛ سکه‌های ساسانی، یزد: انتشارات ققنوس.
۴. پاکزادیان، حسن، ۱۳۹۴، تاریخ و گاه‌شماری در سکه‌های ساسانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. پرادا، ایدت، هنر ایران باستان، ۱۳۸۳، ترجمه: یوسف مجیدزاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. پوپ، آرتور و فیلیس اکرم، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ترجمه نجف دریابندری و [دیگران]، جلد دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. پوپ، آرتور، ۱۳۸۰، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز خانلری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. دادور، ابوالقاسم، مکوندی، لیلا، ۱۳۹۱، بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۵، ۲۳ - ۳۲.
۹. رجبی، پرویز، ۱۳۸۰، هزاره‌های گمشده، تهران: انتشارات توس.
۱۰. رجبی، زینب، افشاری، مرتضی، ۱۳۹۶، بررسی تاثیرات طراحی و نقوش هنر هخامنشی و ساسانی بر آثار استاد مجید مهرگان، فصلنامه نگره، شماره ۴۵، ۳۳ - ۵۱.
۱۱. سرفراز، علی اکبر، فریدون آوزمانی، ۱۳۹۱، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، تهران: سمت.
۱۲. شاکد، شائول، از ایران زرتشتی تا اسلام، مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، ۱۳۸۶ ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، چاپ سوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۳. شهبازی شیران، حبیب، معروفی‌ا قدم، اسماعیل، ستارنژاد، سعید، طهماسبی، فریبرز، ۱۳۹۷، مظاهر و کارکردهای آناهیتا؛ الهه زن در ایران باستان، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۰، شماره ۲، ۲۳۷ - ۲۶۲.
۱۴. صالح، الهه، ۱۳۹۴، بررسی زیورآلات وابسته به پوشاک مردان در عهد قاجار، دو فصل نامه پیکره، سال چهارم، شماره هشتم، ۲۴ - ۳۵.
۱۵. ضیاءپور، جلیل، ۱۳۰۷۱۳۴۸، زیورهای زنان ایران از دیرباز تا کنون، تهران: نشر وزارت فرهنگ و هنر.
۱۶. عصری، سارا، ۱۳۸۷، نقش نشانه و سمبل در طراحی زیورآلات زنان (بررسی دوران ساسانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی صنعتی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۷. غیبی، مهرآسا، ۱۳۹۱، ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی، تهران: انتشارات هیرمند.
۱۸. فتحی‌پور، فریبا، ۱۳۹۲، پژوهشی بر زیورآلات زنان و مردان عصر ساسانی، اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند.
۱۹. گریشمن، رومن، ۱۳۵۰، هنر ایران، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. گریشمن، رومن، ۱۳۷۰، هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. موزه ملی ایران.
۲۲. هرمان، جورجینا، ۱۳۸۷، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

23. Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran, (Monografie di Mesopotamia 3.)*, Florence: Le Lettere.

24. Brunner, Christopher J. (1978). *Sasanian Stamp Seals in the Metropolitan Museum of Art*. New York: Metropolitan Museum of Art

25. De Bruijn, E., and Dennine Dudley, D., (1995). The Humeima Hoard: Byzantine and Sasanian Coins and Jewelry from Southern Jordan, *American Journal of Archaeology*, Vol. 99, No. 4, pp. 697 - 683.

26. Erdmann, K., (1951), "Die Entwicklung der sāsānidischen Krone", *Ars Islamica*, Vol. 15/16, Pp: 123 - 87.

27. Fathi, L., (2017). "The Study of Statue of Women on Iranian Coins", *Journal of History Culture and Art Research*, Vol. 5, No. 4, pp. 278-295.

28. Harper, P. O., Meyers, P., (1981). *Silver Vessels of the Sasanian Period: Vol. 1. Royal Imagery*, New York: Metropolitan Museum of Art.
29. Lerner, J, A. (1976). "Sasanian Seals in the Department of Medieval and Later Antiquities of the British Museum": *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 35, No. 3, pp. 183-187.  
Metropolitan Museum
30. Osten, H.H., (1931). "Ancient Seals from the Near East in the Metropolitan Museum of Art: Old and Middle Persian Seals." *The Art Bulletin* 13, No. 2, pp. 221-241.
31. Schroeder, E., (1940). College Art Association: Vol. 12, No. 5, pp. 20-26.
32. Whitcomb, D.S., (1985). *Before the Roses and Nightingales, Excavations at Qasr- Abu Nasr, old Shiraz*, New York: The Metropolitan Museum of Art.
33. [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)
34. [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)
35. [coinarchives.com](http://coinarchives.com)

